

۱۳۸۶/۹/۲۵

به نام خدا



مسئولیت مدنی بدون رابطه‌ی سببیت

A-PDF

Watermark

مؤلف:

سعیده پناهی

سرشناسه :	پناهی، سعیده، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور :	مسئولیت مدنی بدون رابطه ی سببیت/ مولف سعیده پناهی.
مشخصات نشر :	تهران: انتشارات با من: موبه بارسا میتر گام اول، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری :	۸۸ ص.
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۷۷۷۶-۴۴-۵ : ۶۸۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
یادداشت :	واژه نامه.
یادداشت :	کتابنامه : ص. [۸۳] - ۸۷ : همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع :	مسئولیت (فقه)
موضوع :	مسئولیت (حقوق)
موضوع :	حقوق مدنی
موضوع :	قانون مدنی -- ایران
رده بندی کنگره :	BP۶/۱۹۸م ۴۸ ص ۱۳۹۴
رده بندی دیویی :	۳۷۹/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی :	۳۹۱۹۶۱۷

عنوان کتاب :	مسئولیت مدنی بدون رابطه ی سببیت
تألیف و گردآوری :	سعیده پناهی
ناشر :	با من
همکار ناشر :	مؤسسه پارسا میتر گام اول
مدیر اجرایی :	محمد صدیق سهری ثیا
صفحه آرا :	مصطفی حسن نژاد
طراح جلد :	مصطفی حسن نژاد
سال و نوبت چاپ :	اول / ۱۳۹۴
شمارگان :	۱۰۰۰
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۷۷۷۶-۴۴-۵
قیمت :	۶۸۰۰۰ ریال
آدرس :	میدان انقلاب، ضلع شمال غرب میدان، جنب بانک رفاه، پلاک ۵۹، طبقه ۲، واحد شرقی
تلفن :	۰۲۱-۶۶۵۶۲۰۴۴-۶۶۵۶۲۶۳۹
پاشگاه علمی پژوهشی ساداکو :	www.sadako.ir
وب سایت :	www.parsamega.ir

فهرست

۵	مقدمه و کلیات
۷	الف: مقدمه:
۸	نظریه تقصیر
۹	نظریه خطر
۱۰	نظریه تضمین حق
۱۱	مسئولیت محض و مطلق
۱۴	ب: این بحث چه اهمیتی دارد؟
۱۴	ج: چرایی کتاب
۱۵	د: پیشینه تاریخی
۱۹	فصل اول: مبانی مسئولیت بدون رابطه ی سببیت
۲۱	مقدمه
۲۱	مسئولیت مطلق
۲۲	مسئولیت محض
۲۵	مبانی اخلاقی
۲۶	مبانی اجتماعی
۲۷	مبانی اقتصادی
۲۸	مسئولیت محض و بیمه مسئولیت
۲۹	تأثیر روانی
۳۰	انصاف
۳۲	مفهوم انصاف
۳۴	انصاف مهم ترین ابزار توزیع عادلانه خسارت
۳۵	عدالت و انصاف در فقه
۳۷	نظم عمومی
۳۸	مسئولیت نیابتی
۳۹	مفهوم مسئولیت نیابتی
۴۰	مبانی فقهی
۴۱	قاعده من له الغنم فعلیه الغرم

۴۲.....	قاعده علی الید
۴۵.....	فصل دوم: مصادیق مسئولیت بدون رابطه ی سببیت
۴۷.....	مقدمه
۴۸.....	مسئولیت پزشک
۴۸.....	مبنای مسئولیت مدنی پزشک در قانون مجازات اسلامی
۵۰.....	مسئولیت پزشک در فقه
۵۱.....	ماحصل بحث
۵۲.....	قانون اصلاح قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری مصوب ۱۳۸۷
۵۷.....	ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۸۹/۱۲/۸
۵۸.....	ماده ۴ قانون ایمنی راهها مصوب ۴۹/۴/۷
۵۸.....	ماده ۶۶ قانون تامین اجتماعی به تبعیت از ماده ۶۰ همان قانون
۶۰.....	غصب
۶۱.....	مسئولیت ناشی از تصرف اشیا
۶۳.....	مسئولیت مالک و یا متصرف حیوان
۶۴.....	مسئولیت کارفرما در قبال حوادث ناشی از فعل کارگر
۷۲.....	مسئولیت عاقله از دیدگاه فقها
۷۳.....	مسئولیت پدر و مادر و استاد کار
۷۸.....	نتیجه گیری
۷۹.....	واژه نامه انگلیسی به فارسی
۸۱.....	منابع
۸۳.....	کتاب
۸۶.....	پایان نامه ها و جزوات
۸۷.....	منابع خارجی

الف: مقدمه:

وقتی وارد زندگی اجتماعی می شویم به خوبی در می یابیم که افعال افراد به لحاظ اقتصادی بر دیگران تأثیر دارد و آنان را گاه مستقیم و گاه غیر مستقیم دچار سود و زیان می کند. هم چنین با توسعه صنعت و ماشین، تناسب میان فعل انجام شده و زیان وارده به شدت مخدوش شده است به گونه ای که یک فعل به ظاهر ناچیز، ضررهای بسیار بزرگی ایجاد می کند. چنین مسائلی دانش حقوق را در بخش مسئولیت مدنی در برابر سوالات مهمی قرار داده است:

مسئولیت مدنی^۱ چیست؟ چه فعلی مسئولیت آور است؟ آیا ترک فعل هم موجب مسئولیت می شود؟ برای تحقق مسئولیت، چه نوع رابطه ای بین فعل و زیان وارده لازم است؟ تحقق مسئولیت چه شرایطی را می طلبد؟ این ها، عمده ترین سؤال های مسئولیت مدنی است که شیوه پاسخ به آنها و بررسی دیگر مسائل جتنی، ساختار مسئولیت مدنی را شکل می دهد. الزامی که برای هر شخص وجود دارد رعایت یکسری قوانین و مقررات است و بر این اساس اگر کسی به دیگری ضرری وارد کند، بایستی آن را جبران نماید. در مسئولیت مدنی، موضوع بدین شیوه بیان شده است که هر کس در اثر بی احتیاطی یا سهل انگاری خسارتی به دیگری وارد کند مسئول جبران خسارت وارده می باشد. (ماده قانون مسئولیت مدنی) مسئولیت مدنی؛ یعنی وظیفه ای که بر عهده ی مسئول نهاده شده است تا زیان وارد آمده به دیگری را جبران کند و در واقع یکی از مباحث حقوق مدنی است که در یک قرن اخیر اهمیت فوق العاده ای پیدا کرده و بخش مهمی از ادبیات حقوقی عصر جدید را به خود اختصاص داده است. مسئولیت مدنی در حالی که در گذشته یکی از موضوعات فرعی حقوق مدنی به شمار می آمد، امروزه از لحاظ عملی و نظری مهم ترین بخش حقوق مدنی را تشکیل می دهد که به دو طریق قابل توجیه است: ((یکی افزایش خسارت که از توسعه ی ماشینیسیم و پیشرفت جامعه ی صنعتی است و دیگری تغییر رفتار زیان دیدگان حوادث که حاکی از تحول طرز فکر آنان نسبت به جبران خسارت وارده است)) (صفایی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳) پیشرفت فناوری و به تبع آن افزایش

^۱ Responsabilite به معنای مسئولیت که ریشه لاتینی دارد و در سال ۱۷۹۸ در آکادمی فرانسه تصویب شده است.

خسارت ناشی از زندگی جدید موجب افزایش اهمیت موضوع مسئولیت مدنی در میان موضوع‌های حقوقی شده که در نتیجه، منجر به پیدایش نظریه‌های مختلفی در این حوزه شده است. درخصوص مبنای کلی مسئولیت مدنی سه نظریه معروف وجود دارد:

۱- نظریه تقصیر

۲- نظریه خطر (مسئولیت محض)

۳- نظریه تضمین حق

و در ارتباط با مسئولیت‌های خاص مسئولیت‌های مطلق در حقوق غرب و قاعده علی‌الدید در حقوق اسلامی دیده می‌شود که بعنوان مدخلی در ورود به بحث اختصار به نظریات مربوط به مبنای کلی می‌پردازیم.

نظریه تقصیر:

مطابق این نظریه شخص وقتی مسئول است که در انجام اعمال خود مرتکب تقصیر یا خطائی شده باشد. قانون مدنی ایران در ماده ی ۹۵۳ خود تقصیر را شامل تعدی و تفریط می‌داند. بدین معنی که ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیرلازم است تفریط نامیده می‌شود و تعدی عبارت است از تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف نسبت به مال یا حق دیگری. بر پایه ی تعریف قانونی مذکور، تقصیر، دربرگیرنده ی تخلف از تعهد و التزام قانونی یا قراردادی و یا تجاوز یک شخص به حقوق شخصی دیگری برخلاف متعارف است و می‌توان گفت که تقصیر عبارت است از عمل خلاف حق که یک شخص نسبت به شخص دیگری انجام می‌دهد. بنابراین هرگاه شخصی در اعمال و رفتار خود احتیاط معمول و مرسوم در جامعه را رعایت نکند یا از مقررات تخلف کند و موجب زیان دیگری شود، مسئول و مقصر شناخته می‌شود و ملزم است که از عهده ی جبران زیان وارد شده برآید. به‌طور مثال، راننده‌ای که از مقررات راهنمایی و رانندگی تخلف می‌کند و موجب حادثه‌ای می‌شود که منجر به خسارت اشخاص دیگری می‌شود مقصر است و باید زیان وارد شده را جبران کند. طبق این نظریه ارتکاب تقصیر و خطا شرط اصلی مسئولیت مدنی است. اما قبول این نظریه، در شرایط زندگی پیچیده ی کنونی، خالی از عیب و اشکال نیست و موجب می‌شود که بسیاری از زیان‌ها

بدون جبران بماند. به‌طور مثال اگر اتومبیلی که در ساخت آن دقت و احتیاط کافی به‌کار رفته است ناگهان منفجر شود و زبانی به دیگری وارد کند یا اگر اتومبیلی نو یا راننده‌ای ماهر بر اثر بریدن ترمز یا عابری تصادف کند و موجب ایراد خسارت شود، دارنده ی اتومبیل در سیستم حقوقی مبتنی بر نظریه ی تقصیر می‌تواند به استناد رعایت احتیاط‌های لازم و معمول از مسئولیت مبرا شود. در این‌صورت اثبات تقصیر عامل زیان و درخواست خسارت برای زیاندیدگان مشکل خواهد بود. حال آنکه عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند که خسارت وارد به زیاندیدگان بدون جبران نماند.

نظریه خطر

در این نظریه ارتکاب تقصیر شرط مسئولیت مدنی نیست، بلکه هر کسی که بر اثر فعالیت خود خطرهایی ایجاد می‌کند و موجب زیان دیگری می‌شود، مسئول و ملزم به جبران خسارت وارد شده است. بنابراین شخصی که اتومبیلی را به حرکت درمی‌آورد و یا کارخانه‌ای را به‌کار می‌اندازد ایجاد خطر می‌کند و چون از منافع این فعالیت بهره‌مند می‌شود ناچار باید ضرری را که از این راه متوجه دیگری می‌شود تقبل و جبران کند. علت پیدایش این نظریه ی جدید آن بود که حوادث وسایل نقلیه ی موتوری و رخدادهای زیانبار کارخانه‌ها روز به روز توسعه می‌یافت و خسارت‌های زیادی بر دوش زیاندیدگان می‌گذاشت و اغلب، حق آنها ضایع می‌شد. زیرا عامل زیان از شرایط و موقعیت اقتصادی بهتری برخوردار بود و با استفاده از قانون و امکان‌های خود از مسئولیت مبرا می‌شد. به‌علاوه عوامل تقصیر این اغلب غیرمشخص و در مورد هر حادثه‌ای علل مختلفی داشت. خلاصه آنکه وضع حقوقی و موقعیت زیاندیدگان بسیار بد و آسیب‌پذیر بود و یک سلسله مشکل‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی ایجاد می‌کرد. به همین جهت حقوقدانان به فکر بهبود و اصلاح وضع زیاندیدگان افتادند و به این نتیجه رسیدند که باید تسهیلاتی در امر اثبات قائل شد. مطابق نظریه ی خطر، مسئولیت مدنی ما به‌ازاء نفع و فایده و لذتی است که شخص از شیء متعلق به خود یا از فعالیت خود می‌برد در واقع حقوقدانان و دادرسان بدون آنکه مفهوم تقصیر را نادیده بگیرند به جست‌وجوی قاعده ی جدیدی پرداختند که مبنای جبران زیان قرار گیرد و این قاعده را چنین بیان داشتند که خسارت باید به کسی

نسبت داده شود که سبب وقوع آن شده است. بر پایه ی این نظریه چنانچه بر اثر عمل شخص یا اشخاص وابسته به او یا اشیاء تحت تصرف او خسارتی به دیگری وارد شود، عامل زیان مسئول به شمار می رود و باید از عهده ی جبران زیان وارد شده برآید مگر آنکه بتواند خلاف آن را ثابت کند. بنابراین مطابق نظریه ی خطر، دارندگان وسایل نقلیه ی موتوری و صاحبان کارخانه ها و کارگاه ها مسئول جبران زیان هائی هستند که بر اثر فعالیت آنها به اشخاص دیگری وارد می شود. ایرادی که به این نظریه گرفته اند آن است که قبول مطلق این نظریه ابتکار و آزادی عمل صاحبان فعالیت های اقتصادی را محدود می کند و هزینه های سنگینی برای جبران خسارت ها به عهده آنها می گذارد و از ابتکار عمل، شکوفا شدن استعدادها و بهره گیری افراد از امکانات و سرمایه گذاری جلوگیری می کند. چون شخص سرمایه گذار در طول دوران سرمایه گذاری بیم ایجاد خسارت به دیگران را دارد.

نظریه تضمین حق:

به موجب این نظریه هر کس در جامعه حق دارد که سالم و ایمن زندگی کند و از اموال خود سود برد. این حق به وسیله قوانین، باید حمایت شود و ضمانت اجرای این حمایت مسئولیت مدنی متجاوز است، همه وظیفه دارند که به حقوق دیگران احترام گذارند و ایمنی سایرین را به خطر نیندازند. همین که حقی از بین برود باید به وسیله تلف کننده آن جبران شود و طرفداران این نظریه الزام به جبران این خسارت را مسئولیت مدنی می نامند و بر مبنای این نظریه تضمین حق رواست که بین خسارت بدنی و مالی از یک سو و خسارت معنوی و اقتصادی از سوی دیگر تفاوت گذارده شده است و در مورد خسارات بدنی باید قطع نظر از تقصیر عامل ورود زیان، در هر حال باید جبران شود و مسئولیت ناشی از آن مسئولیت نوعی است اما در مورد خسارت معنوی و اقتصادی، اگر همراه با زیان های بدنی و مالی نباشد مسئولیت در صورتی ایجاد می شود که مرتکب کار زیان بار مقصر باشد. حسن بزرگ این نظریه آن است که به تضمین حقوق افراد زیان دیده و حمایت قانونی از آنان توجه و تأکید دارد. گرچه نظریه تضمین حق نیز در بوجود آوردن مسئولیت مدنی نقش موثر و مهمی دارد، اما هیچ کدام از نظریه های بیان شده نمی تواند به تنهایی و منحصرأ مبنای مسئولیت مدنی قرار گیرند.

در این نظر آنچه مهم است و اهمیت دارد رسیدن به عدالت می باشد و این ابزارهای منطقی تنها وسایل راهگشایی به این هدف نیست.

مسئولیت محض و مطلق:

مسئولیت مدنی یعنی وظیفه ای که بر عهده ی مسئول نهاده شده است تا زیان وارد آمده به دیگری را جبران کند و در واقع یکی از مباحث حقوق مدنی است که در یک قرن اخیر اهمیت فوق العاده ای پیدا کرده و بخش مهمی از ادبیات حقوقی عصر جدید را به خود اختصاص داده است. مسئولیت مدنی در حالی که در گذشته یکی از موضوعات فرعی حقوق مدنی به شمار می آمد، امروزه از لحاظ عملی و نظری مهم ترین بخش حقوق مدنی را تشکیل می دهد که به دو طریق قابل توجیه است: ((یکی افزایش خسارت که از توسعه ی ماشینیسیم و پیشرفت جامعه ی صنعتی است و دیگری تغییر رفتار زیان دیدگان حوادث که حاکی از تحول طرز فکر آنان نسبت به جبران خسارت وارده است)) (صفایی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳) درواقع مسئولیت مدنی هنگامی تحقق می یابد که شخص مرتکب فعل یا ترک فعل زیانباری شده باشد، ولی گاهی بدون اینکه شخص خود مرتکب فعل زیانبار شود، در قبال فعل دیگری مسئولیت مدنی دارد. تحولات اجتماعی و اقتصادی دهه های اخیر بویژه تشکیل جوامع اصطلاحاً مصرفی سبب شده که این قضیه اهمیت دو چندان پیدا کند. از طرفی هرکس مسئول خطاهای خویش است، خطاهایی که خود مرتکب می شود یا دستور ارتکاب آن را می دهد و وسایل آن را فراهم می کند. بنابر این، مسئولیت ناشی از فعل غیر چهره ی حمایتی دارد و برای این است که زیانی جبران نشده باقی نماند، هرچند با اصل مسئولیت شخصی افراد و لزوم اثبات رابطه ی سببیت با زیان وارده تعارض دارد و این یعنی مسئولیت مدنی که در آن رابطه ی سببیت کنار گذاشته شده یا کم رنگ شده است. قانون گذار با این مبنا که جبران خسارت ناشی از فعل غیر و ناشی از اشیاء در هیچ زمانی نباید جبران نشده باقی بماند و در جهت حمایت از حقوق زیان دیده به وضع مقرراتی مبادرت نموده است که هدف آن جبران خسارت وارده به زیان دیدگان بارویکرد حمایتی حداکثری است هرچند رابطه ی سببیتی را نتوان ثابت کرد یا رابطه ی سببیت در آن کم رنگ باشد. افزودن قید ((محض)) بر مسئولیت، نشانه مشروط نبودن مسئولیت بر اموری

است که به طور معمول شرط تحقق آن است. بنابراین واژه محض نوعی اطلاق و رهایی از قید و بند را به ذهن می آورد و به همین جهت بسیاری از نویسندگان آن را به مسئولیت مطلق نیز تعبیر کرده اند. منتها چون مسئولیت در شرایط متعارف منوط به عمد و تقصیر مرتکب است، آنچه در نخستین نگاه به نظر می رسد، مسئولیت بی تقصیر است. با وجود این اصطلاح محض بهتر می تواند مفهوم واقعی (strict) را به زبان ما بیان کند: زیرا یکی از معانی این واژه در زبان انگلیسی سخت و خشن و خشک است که با مسئولیت غاصب و سایر مسئولان محض قرابت دارد.^۲ و مسئولیت مطلق آخرین درجه ی سختگیری است و نشانه ی رهایی از هرگونه قیدی است و به هیچ وجه رابطه ی سببیت، در آن به حساب نمی آید. در حالی که مسئولیت محض در مصداق هایی به کار می رود که برای مسئول، عذرهای دفاعی کم و بیش وجود دارد و مسئولیت، مطلق نیست. محض بودن مسئولیت ممکن است ناظر به رابطه ی علت میان فعل شخص و زیان دیده باشد. قید محض بیشتر در مورد نفي شرط تقصیر و عمد و لزوم تعهد قراردادی در ایجاد مسئولیت است ولی گاه نیز در بیان مسئولیت مدنی، بدون رابطه ی سببیت به کار می رود. (اپیستین، ۱۹۸۰، ص ۳۳۴) در مسئولیت مطلق، مسئولیت عامل ورود زیان همواره وجود دارد و زیان زننده مطلقاً مسئول است و حتی اگر ثابت نماید که تقصیری نکرده است و یا علت ورود زیان و خسارت، قوه قاهره بوده است، موجب رفع مسئولیت از شخص نمی باشد؛ مانند ضمان غاصب در صورت تلف مال مغضوب، که غاصب مسئول تلف یا هر عیب و نقصی است که در عین مال مغضوب یا منافع آن ایجاد شود. هر چند که تلف ناشی از حوادثی باشد که به او مربوط نمی شود. ماده ۳۱۵ قانون مدنی در این باره اعلام می کند: "غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد، هر چند مستند به فعل او نباشد". تفاوت مسئولیت محض در بیشتر موارد با فرض تقصیر در این است که در فرض تقصیر، خواننده اگر بی تقصیری خود را ثابت کند و یا اثبات نماید که علت وقوع حادثه و ایراد ضرر، فورس ماژور و حادثه خارجی غیرقابل پیش بینی و غیرقابل دفع، بوده است از مسئولیت مبرا می گردد، در حالیکه در بیشتر موارد مسئولیت نوعی (محض) فقط در

^۲ الغاصب يؤخذ باشق الاحوال

صورتی که خواننده ثابت نماید که علت وقوع ضرر فورس مازور بوده است از مسئولیت مبرا می گردد و حتی اگر بی تقصیر خود را نیز ثابت نماید، تأثیری در مسئولیت وی نخواهد داشت و حکم به ضمان می گردد و البته در برخی موارد، اثبات فقدان سببیت نیز مسئولیت وی را رفع نمی کند.

موارد مختلف مسئولیت محض را می توان به سه دسته تقسیم کرد: گاه مسئولیت محض به دلیل تجاوز به حقوق و منافع زیان دیده است، مانند بهره برداری غیرمجاز از مال دیگری و تصرف غیرقانونی آن. دسته دوم، مسئولیت محض نیابتی است که از طرفی مبتنی بر وجود رابطه ی خاص بین خطا و خطاکار و از طرف دیگر فعالیت خواننده است. مسئولیت محض کارفرما در قبال زیان هایی که کارگران وی در جریان کار به اشخاص ثالث وارد می کنند نیز مسئولیت محض مبتنی بر پیامد است.

اکنون این پرسش مطرح است که کدام نظریه می تواند مبنای تحقق مسئولیت مدنی به منظور ایجاد عدالت اجتماعی باشد در ابتدا می توان گفت نظریه تقصیر و ایجاد خطر را نمی توان مبنای منحصر مسئولیت مدنی شمرد؛ زیرا گاهی عدالت ایجاب می کند که کسی متحمل ضرر شود که یا مقصر نبوده است یا اصلا سبب ورود خسارت نبوده است. چنان که در روابط بین کارگر و کارفرما هیچ کس نمی تواند منکر این حقیقت شود که کارفرما برای تحمل زیان های ناشی از کار، مناسب تر از کارگر است. عدالت، راهنمای تعیین مسیر تحقق هدف است. در نتیجه، برای تشخیص تقصیر و تعیین قلمرو آن بسیار مهم است نظریات مطرح شده، همانند سایر پدیده های اجتماعی، در حال حرکت و تغییر است و باید آن را تابعی از عدالت شمرد؛ عدالتی که اقتضای آن با تغییر شرایط دگرگون می شود. عوامل مادی و اقتصادی و فلسفی و اجتماعی هر کدام در تغییر شرایط زندگی سهمی موثر دارد، ولی جز در موارد استثنائی و انقلابی، عوامل اقتصادی و مادی در این حرکت پیشتاز است. ولی هیچیک از نظریه های ابراز شده نمی توانند به تنهایی و به طور انحصاری مبنای مسئولیت مدنی قرار گیرند. بنابراین در دو بخش مبانی و مصادیق به طور تفصیلی مسئولیت محض و مطلق را بررسی می کنیم:

ب: این بحث چه اهمیتی دارد؟

امروزه هیچ گونه فعالیت اجتماعی را نمی توان یافت که مسئولیت مدنی در آن نقش نداشته باشد. اهمیت مسئولیت مدنی تا آنجاست که اصل ((ضرر نزدن به دیگری و لزوم جبران ضرر ناروا)) را یکی از سه اصل موضوعه اخلاق و حقوق دانسته اند. تحولات اجتماعی و عوض شدن چهره ی تمدن بشری اهمیت مسئولیت مدنی را دو چندان کرده است. در خصوص اهمیت مسئولیت مدنی برای کشورمان تنها کافی است به آمارهای ناشی از کار، عیب تولید، صدمات ناشی از تقصیر پزشکی، بی مبالاتی کارگران، توجه کنیم. ارائه بهترین راهکارها برای جبران خسارت زیان دیدگان فقط از طریق مسئولیت مدنی ممکن است و مسئولیت مدنی با مسئول شناختن عاملان بالقوه حادثه و عدم توجه به رابطه ی سببیت و جایگزین کردن ساز و کارهای جدید برای جبران توانسته مشکلات را تا حدی حل نماید. این اهمیت فزاینده ایجاب می کند که مسئولیت مدنی با نگاهی عمیق تر و با توجه به تحولات روز مورد مطالعه قرارگیرد، چرا که با گذر زمان، اصول و مبانی مسئولیت مدنی دچار تغییر و تحول شده و شاخه های جدید و بسیار مهمی شکل گرفته است، که هر کدام جایگاه بسیار موثری در زندگی اشخاص و نحوه ی جبران خسارت آنها دارند.

ج: چرایی کتاب

هر علمی چرایی و هدف یا هدفهایی دارد که در پی دستیابی به آن است. در فلسفه حقوق نیز شناخت هدف اهمیت بسزایی دارد و هر نوع نگرش هوشمندانه نسبت به فلسفه حقوق باید به هدف آن نیز توجه کند، تا بتواند علم حقوق را از این دیدگاه ارزیابی کند. می دانیم که بین هدف و مبنای حقوق رابطه ی تنگاتنگی وجود دارد و شناختن مبانی حقوق جز با تشخیص هدف آن ممکن نیست. در زمینه مسئولیت مدنی نیز چنین رابطه ای وجود دارد و نوع نگرش نسبت به مبنای مسئولیت مدنی نقش بسزایی در تعیین ماهیت هدف و کارکرد آن دارد. مسئولیت مدنی هم در ارتباط با زیان دیده و هم در ارتباط با وارد کننده زیان و هم در ارتباط با جامعه هدف ها و کارکردهای خاص دارد. جبران خسارت به صورت پرداخت مبلغی پول، هر چند مهم ترین هدف مسئولیت مدنی در ارتباط با زیان دیده است، تنها هدف نیست و در کنار

آن رفیع تجاوز به حقوق خواهان و جلوگیری از ورود خسارت به وی درآینده نیز مطرح است که مسئولیت مدنی می تواند نقش مهمی در تنبیه وارد کننده ی زیان و باز داشتن وی از ارتکاب مجدد فعل زیانبار درآینده داشته باشد. اما بررسی این هدف از طریق مسئولیت مدنی با محدودیتهایی مواجه بود که با گذشت زمان و ایجاد مسئولیت های نیابتی و محض و مطلق و مسئول شناختن اشخاص به دلیل اشتباه دیگران و حوادث غیرمترقبه تا حدی توانست این هدف از مسئولیت مدنی را برآورده سازد و دیگر مسبب حادثه مسئول نبود و آنانی که در جامعه قدرت سیاسی و اقتصادی و فکری داشتند و وارد کننده ی بالقوه زیان بودند نیز مسئول شناخته شدند در واقع مسئولیت مدنی برای افراد در جهت پیش گرفتن اقدامات احتیاطی و کاهش آثار اجتماعی ضرر از طریق توزیع آن در بین تمام جامعه اعمال می شود. عدالت باید به تناسب شرایط زمان و مکان تغییر می کرد، در جامعه ای که در آغاز دوران سرمایه گذاری عدالت اقتضا می کرد که مسئولیت، مکافات تقصیر باشد، همین که جامعه ی صنعتی شکل گرفت، معلوم شد که گاه تکیه بر تقصیر به مفهوم مرسوم خود به نتایج ناعادلانه ای می رسد. درآغاز، این ظلم در رابطه ی کارگر و کارفرما احساس شد، سپس به حمل و نقل و رانندگی اتوموبیل هم سرایت کرد و سرانجام به گسترش اعمال مسئولیت محض در جامعه منتهی شد. زدودن نتیجه ی نامطلوب، هدف اصلی بود و عدالت می کوشید تا صدمه به حق حمایت شده را جبران سازد، این هدف با مبنای تقصیر قابل اعمال نبود، بنابراین مسئولیت محض گسترش پیدا کرد و طرفداران بسیاری پیدا کرد.

د: پیشینه تاریخی:

روند تحول همه ی جوامع یکسان نبوده ، بلکه بسیار پیچیده و ناهمگون بوده است و در طول تاریخ سرنوشت متحول و پرماجرایی داشته است. ((از زمان تکوین و پیدایش جامعه های نخستین تا کنون مبانی مسئولیت مدنی تغییر یافته و به سوی تکامل پیش رفته است.)) (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱) مسئولیت مدنی تا سده هجدهم وجود جداگانه ای نداشت و به نظر می رسد که مسئولیت کاملاً کیفی و یا حتی عمدتاً مذهبی بود و تنها هدف مجازات تنبیه کسی بود که به جامعه یا خدایی آسیب رسانده بود. علمای حقوق نیز تا قرن نوزدهم به این معتقد

بودند که مسئولیت بی گناه اخلاقی نیست و تنها کسی که به تقصیر خسارتی وارد آورده است باید آن را جبران کند. اما بعدها این قاعده به دلیل دشواری اثبات تقصیر مورد تردید قرار گرفت و روند تحول مسئولیت مدنی دگرگون شد و گرایش افراد به حمایت و همیاری نیاز به امنیت را در فرد افزایش داد. بنابراین مسئولیت مدنی در اثر تحول زمان از صورت اولیه خود که بر اساس رابطه سببیت شکل گرفته بود و تنها مسبب را وادار به جبران خسارت وارده می کرد، در اثر توسعه ی ماشینیسیم و استفاده از قوه بخار و برق و اتم موارد ورود خسارت به حدی افزایش یافت که دیگر ممکن نبود، مساله جبران خسارت بر اساس رابطه ی سببیت حل و فصل گردد. چه در غیر اینصورت آزادی عمل به شدت تحدید و چرخهای اقتصادی متوقف می گردید. همه ی این تحولات و بروز حوادث و خسارات روزافزون جدید سبب شکل گیری تئوری ها و سپس قواعد حقوقی شد که همگی در حدود حمایت از قربانیان حوادث و زیان دیدگان بود و طبیعتاً در این راه رابطه ی سببیت و نقش آن در برخی موارد کم رنگ گردید یا اصلاً حذف شد. در واقع با تبدیل و اصلاح شرایط مسئولیت این بخش از حقوق با تکیه بر منطقی اقتصادی و گامهای بلند به سوی شناخت مسئولیت بدون رابطه ی سببیت پیش رفته است و افرادی که اساساً حقوق مدنی سنتی تعهدی به جبران خسارت نداشتند، مسئول جبران شناخته شدند.

با آغاز شکوفایی صنعتی و جامعه ی سرمایه داری، صناعی با به میدان اقتصادی نهاد که اداره و بهره برداری از آنها مستلزم داشتن سرمایه های کلان بود، دوران طلایی سرمایه گذاری به زودی سپری شد، سرمایه ها با پشتیبانی اندیشه های حقوقی استقرار یافتند و بهره برداری آغاز شد و کارگران ثمره ی کار خود را در برابر دستمزدی اندک به سرمایه داران تقدیم کردند و در نتیجه صنایع بزرگ جان گرفت. در مقابل، کارگران برای حفظ حقوق خود به ایجاد سندیکاها ی کارگری پرداختند و نخستین نشانه های تحول نیز از همین تقابل منافع آغاز شد و این سخن بر سر زبان ها افتاد که چرا باید سرمایه دار سود کارگاه را ببرد و مصون از مسئولیت بماند و کارگر بی پناه به اندک خطا هم خود صدمه ببیند و هم ضامن خسارت ناشی از آن شود؟ و از همین جا، نظریه تقصیر که به نام اخلاق حکومت می کرد در این زمینه غیر اخلاقی جلوه گر شد و نیاز به تعدیل و اصلاح پیدا کرد. پس، نظام های حقوقی سرانجام دست از عامل تقصیر شستند و مسئولیت محض را ترجیح دادند. تحول دیگر در پیشرفت صنعتی در زمینه

حمل و نقل پیش آمد؛ در نظریه های مرسوم متصدی حمل و نقل امین بود و جز در اثر تقصیر ضامن نبود، ولی صنعت نو به ابتکارهایی دست زد که دیگر این قاعده قابل اجرا نبود. ورود انوموبیل، هواپیما کشتی بخار و متروک ماندن سفرهای سنتی سبب شد تا اثبات تقصیر با دشواری های جدی روبرو شود. پس بایستی عامل تقصیر به گونه ای حذف یا مفروض می شد یا مفهوم آن تغییر می کرد که چنین شد. از گرایش های مهم مسئولیت مدنی آینده نگری و در نتیجه پیش گیری از وقوع خسارت بود و چنین گرایشی اهمیت روزافزون پیدا کرد و به جای اینکه منتظر وقوع خسارت باشد به جلوگیری از وقوع آن گرایش پیدا کرد. همه ی این تحولات باعث ایجاد و گسترش مسئولیت محض شد که عواملی نظیر؛ افول مفهوم حداقلی دولت و پیدایش دولت رفاه، پیدایش نظام های جدید جبران خسارت (بیمه) و در نتیجه اجتماعی شدن خطرها و در نهایت در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی و انصاف نقش بسیار مهمی در این زمینه ایفا می کردند. نتیجه این شد که به مسئولیت محض اهمیت خاصی قائل شدند و به قاضی اجازه داده شد تا برای جلوگیری از تحقق برخی زیان ها وارد عمل شود، تا اینکه علاوه بر مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد، نوع سومی از مسئولیت مدنی قانونی مشتمل بر موارد خاص که در آنها قانون مسئولیت را به طبقه ی خاصی تحمیل کرده که مسئولیت کارفرما، پدر و مادر، پزشک غاصب و متصرف حیوان از این قبیل است، بوجود آید. مسئولیتی که ارتباط سببی میان فاعل فعل زیانبار و ضرر بوجود آمده، قطع می کرد و مسئولیت را بر عهده ی کسی می گذاشت که شاید در بوجود آمدن زیان، هیچ نقشی نداشته باشد. در این کتاب سعی شده تا تمامی مواردی که در آن رابطه ی سببیت به نوعی نادیده گرفته شده یا کم رنگ است، بررسی شده و به طور تفصیلی بیان شود.